و بروشور یک سازمان وجود نداشت. با چنین دیدگاهی بود که او طی زندگی‌اش هر آنچه در زمینهٔ تاریخ و فرهنگ ایران می‌یافت، نگهداری می‌کرد. فهرست حاضر حاوی مشخصات آثار کم‌حجمی است که وی آن‌ها را گردآورده و در کتابخانهٔ شخصی‌اش نگه داشته و اکنون در کتابخانهٔ مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی موجود است.

البته این میل وافر به جمع‌آوری اسناد و مدارک گاهی اوقات باعث ثبت و نشر چیزهایی می‌شد که مضمونی برای طنزپردازی برخی قرار می‌گرفت. از جمله یک بار هم کاغذی را چاپ کرده بود که دکتر محمد مصدق به عنوان راهنمای روشن و خاموش کردن در کنار آبگرمکن منزلش نصب کرده بود!

از آثار ثبت‌شده در این فهرست ۲۴۳۱ مدخل فارسی و ۲۹۶۱ مورد به انگلیسی و دیگر زبان‌های اروپایی است. البتّه در میان این آثار کتاب‌های مختلفی هم هست که شمار صفحات آن‌ها اندک نیست.

شُماری از آنچه مشخصات آن در این مجموعه ثبت شده را امروزه شاید نتوان در هیچ کتابخانه‌ای یافت و همین ویژگی اهمیت این مجموعه را برای پژوهشگران تاریخ و فرهنگ ایران نشان می‌دهد. باید امیدوار بود که در آینده گزیده‌ای از آثاری که مشخصاتشان در این مجموعه ذکر شده، پس از تصویربرداری و رقومی شدن از راه اینترنت در دسترس پژوهشگران و علاقه‌مندان قرار گیرد.

کتابواره از این پس مانند دیگر تألیف گران‌سنگ افشار، یعنی فهرست مقالات فارسی، مأخذی خواهد بود که پژوهشگران از مراجعه و تورّق آن بی‌نیاز نخواهند بود.

تنظیم و تألیف این فهرست را خانم هارطونیان و آقای مافی که هر دو از همکاران دیرین مرحوم افشار بوده‌اند، با علاقه‌مندی و حوصله انجام داده‌اند و حق سال‌های هم‌صحبتی با استاد را به جا آورده‌اند.

ف.ا

۱. جداچاپ: (معادل فارسی واژهٔ فرانسوی «تیراژ آپار» tirage à part یا واژهٔ انگلیسی offprint): نسخه‌ای است از یک مقاله یا یک فصل یا بخشی از یک اثر که به‌صورت جداگانه چاپ می‌شود (وبگاه فرهنگستان زبان و ادب فارسی)؛ گاه این نسخه به طور مجزا در شمارگانی اضافه چاپ می‌شود تا به نویسندهٔ اثر داده شود.

کلیدگشایش نهج‌البلاغه

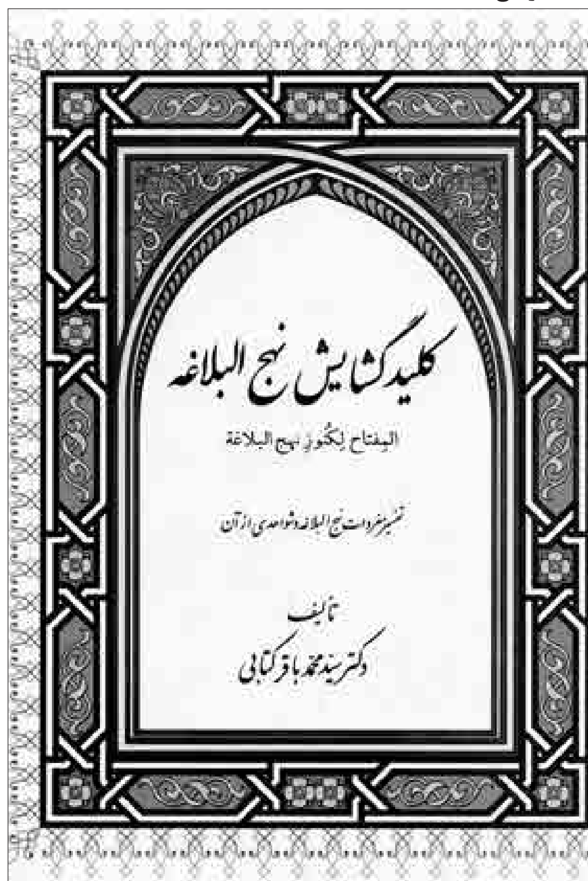
|کامیار صداقت ثمرحسینی*|

کلید گشایش نهج‌البلاغه (المفتاح لکنوز نهج‌البلاغه)، تفسیر مفردات نهج‌البلاغه و شواهدی از آن. محمدباقر کتابی. اصفهان: کانون پژوهش، ۱۳۹۴. ۸۸۶ص. ۵۰۰۰۰۰ ریال.

پیش از معرفی کتاب کلید گشایش نهج‌البلاغه جای دارد تا اندکی به اهمیّت تألیف آثاری از این دست اشاره شود تا جایگاه رفیع کتاب حاضر بیش از پیش آشکار شود.

نیک می‌دانیم که هر متنی در پی انتقال مجموعه‌ای از مفاهیم مورد نظر خود به مخاطبانش است و شأن نزول حقیقی تمامی آیات شریفهٔ قرآن و احادیث صحیحه، همانا هدایت انسان و دور نگاه داشتن او از ضلالت و گمراهی است و این معنا تنها در سایهٔ فهمی سلیم و صحیح از معانی الفاظ و اصطلاحات و واژگان به کار رفته در آن‌ها محقق می‌شود؛ این چنین است که یکی از ویژگی‌های بارز مفسران برجسته‌ای همچون شیخ جلیل‌القدر، ابوعلی فضل بن حسن طبرسی (ره) ملقب به «امین الاسلام» (۴۶۸_۵۴۸ ق) در مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن و یا علامه سید محمدحسین طباطبایی (ره) (متوفی ۱۴۰۲ ق) در المیزان فی تفسیر القرآن ذوق عالی و درکی عمیق از مفردات قرآن و حدیث بوده است و اگر سید رضی (ره) که خود زبان‌شناسی بزرگ است، در نهج‌البلاغه به غرائب و مشکلات الفاظ توجه کرده است، نظر به اهمیّت رفع ابهام و کشف معانی حقیقی حکمت‌های امام علی (ع) داشته است.

در طول تاریخ، زبان‌شناسان بزرگ کوشیده‌اند تا معانی و کاربردهای الفاظ را به ویژه در متون قرآن و حدیث تبیین کنند و چنان‌که علامه عبدالحسین امینی (۱۳۲۰_۱۳۹۰ ق) در الغدیر بیان کرده است، فهم ادیبان و شاعران و سخنوران عرب از واژهٔ «مولی» حجتی است بزرگ بر حقیقت فرمایش رسول خدا (ص) که فرمود: «مَنْ کُنْتُ مَوْلاهُ، فهـذا عَلِیّ مَوْلاهُ...» و یا در فرازی از نهج‌البلاغه، حضرت امام علی (ع)



می‌فرمایند: «...وَ یَسْمَعُ بِعَظْم...» یعنی «انسان با استخوان می‌شنود.» (نهج‌البلاغه، حکمت ۸). در گذشته، دانشمندانی چون ابن ابی‌الحدید و یا ابن میثم واژهٔ «عظم» را به اشکال گوناگونی تأویل می‌کردند (معرفت، ۱۴۳۲: ۱۵ـ۱۶) چرا که آمادگی پذیرش این موضوع را نداشتند که شنیدن از طریق استخوان حلزونی گوش صورت می‌پذیرد؛ و امروزه این حدیث مایهٔ اعجاب پزشکان است. فرهاد میرزا قاجار (۱۲۳۳-۱۳۰۵ ق) در سفرنامهٔ حج خویش اشاره به گفت‌وگویش با طبیب سفارت روس دارد که زمانی که کلام امام علی (ع) را برای او نقل کرد، حیرت‌زده می‌گفت: «آن وقت تشریح نمی‌دانستند» و افزود: «این [عبارت] عربی را به ترجمه برای من بنویسید که در فرنگستان این حرف را اگر بشنوند خیلی تعجب خواهند کرد.» (فرهاد میرزا، ۱۳۶۶: ۲۴۷)

دانشمندان اسلامی در راه تبیین مفردات قرآن و حدیث، خون دل‌ها خورده و سختی‌ها کشیده‌اند. برای مثال، حدود شش دههٔ پیش، مرحوم علّامه سیدجواد مصطفوی خراسانی (۱۳۰۱ـ۱۳۶۸ ش) درصدد انتشار کتاب الکاشف عن الفاظ نهج‌البلاغه برآمد که حاصل هفت سال تحقیق علمی‌اش بود. به گفتهٔ آن مرحوم وقتی «کار به آخر رسید به هر کس می‌گفتم این کتاب را نوشته‌ام و می‌خواهم آن را چاپ کنم، حاضر نمی‌شد.» (مصطفوی، اسفند ۱۳۶۴: ۹) تا آن‌که با همت خطیب برجسته، مرحوم آقای فلسفی تنها تعداد ۲۰۰ مجلّد از آن منتشر شد. امّا هدف چنان والا بود که پس از آن الکاشف صحیفه سجادیه و اصول کافی را نیز نگاشت. مگر اندیشه‌مندان متعهد مسلمان منتظر می‌مانند تا محققی غربی بیاید و برای مسلمانان فرهنگ و معجم بنویسد؛ به بیان او: «من غصه می‌خوردم ولی از طرفی هم می‌دیدم واقعاً این کار لازم است. خوب! [گویا] باید ابتدا اروپایی‌ها برای قرآن ما بنویسند! می‌گویند ابتدا فلوگل آمده است و برای قرآن نوشته و بعداً محمد فوأد عبدالباقی المعجم المفهرس را نوشته. من می‌دیدم انجام چنین کاری برای همهٔ احادیث معتبر لازم است، با وجود این که آن سابقه را در الکاشف دیده بودم ولی باز هم بیکار نمی‌توانستم بنشینم، یک الکاشف برای صحیفه سجادیه نوشتم و یکی هم برای اصول کافی...» (همان)

کلید گشایش نهج‌البلاغه

نگارش دربارهٔ نهج‌البلاغه به چیزی بیش از تحقیق و پژوهش و نویسندگی نیازمند است، و آن شور و شوقی مقدس و خدادادی است که در نهاد این نویسندگان موج می‌زند؛ به قول حضرت حافظ شیرازی (ره):

هر چه جز بار غمت بر دل مسکین من است
برود از دل من وز دل من آن نرود
آن چنان مهر توام در دل و جان جای گرفت
که اگر سر برود از دل و از جان نرود

و این چشمهٔ شور و شوق وصف ناپذیر، در مقدمهٔ دکتر سیّدمحمدباقر کتابی بر کتاب کلید گشایش نهج‌البلاغه مشهود است؛ خواننده درمی‌یابد که انگیزهٔ نگارش کتاب مذکور به دوران کودکی نویسنده بازمی‌گردد؛ روزگاری که در محضر پدر فاضل خود مرحوم آیت‌الله حاج سید محمدصادق کتابی (ره) متوفی ۱۳۵۹ شمسی، و نیز در محضر بزرگانی چون حضرات آیات حاج میرزا علی‌آقا شیرازی (ره) و حاج آقا رحیم ارباب (ره)[1] و زمانی هم در تهران در محضر آیت‌الله حاج سیّد محمود طالقانی (ره) با نهج‌البلاغه و معارف بلند آن آشنا شده است؛ چنان که خود می‌گوید:

«این محافل نورانی و آن بیانات آسمانی که از دل‌های پاک آن‌ها تراوش می‌نمود، مرا بیشتر و بیشتر با نهج‌البلاغه آشنا ساخت و به مطالعهٔ آن برانگیخت. مطالعهٔ نهج‌البلاغه و بررسی شروح مفصل آن عادت روزمرهٔ من گردید. هم‌اکنون فکر می‌کنم گمشدهٔ اعتقاد به دین و دانش راستین و یافتن فضائل و مکارم اخلاقی و راه یافتن به سوی انسان کامل و رستگاری دنیا و آخرت را بعد از قرآن کریم، باید در نهج‌البلاغه یافت و هیچ‌گاه از آن غافل نماند که خسرانی بزرگ در پی خواهد داشت.» (ص بیست‌ونه)

دکتر کتابی در کلید گشایش نهج‌البلاغه توجه خاصی به مفردات راغب اصفهانی مبذول داشته و کوشیده است بسان راغب، کتابی «تفسیرگونه بر مفردات و ترکیبات و جمله‌های مشکل نهج‌البلاغه» بنگارد، هر چند که خود تصریح دارد هیچ مفرداتی به پایه‌ومایهٔ مفردات راغب اصفهانی نمی‌رسد. (ص سی) ولی الحق باید گفت که راهنمای جامعی برای علاقه‌مندان به معارف نهج‌البلاغه مهیّا کرده است.

در انتخاب مدخل‌های کتاب کوشش شده است حتی الامکان جامع و کامل باشند؛ و به منابعی چون الکاشف عن الفاظ نهج‌البلاغه اثر آقایان حاج شیخ محمد دشتی (۱۳۳۰ـ۱۳۸۰ ش) و کاظم محمدی توجه شده است.

در تنظیم مدخل‌ها به سبک مفردات راغب اصفهانی، ثلاثی مجرد بر رباعی و مزید و معلوم بر مجهول و افعال بر مشتقات آن‌ها (مانند اسم فاعل و اسم مفعول) و آن‌گاه اسم یا علم و سایر موارد، مقدم شده‌اند و به ترتیب حروف اصلی اوّل و سپس دوم، مطابق حروف الفبا («الف» تا «ی») منظم شده‌اند؛ بنابر این واژهٔ تحکّم (از ریشهٔ حکم) در حرف «ح» قرار دارد و نه «ت» و نیز اسامی بدون «الف و لام» برحسب حرف اولشان مرتب شده‌اند (الراضی ← راضی) تا برای خوانندهٔ فارسی سهولت بیشتری داشته باشد.

در ضمن، در بیان شواهد نهج‌البلاغه به نسخه‌های مرحوم فیض الاسلام و شیخ محمد عبده و در ترجمهٔ آن‌ها نیز عمدتاً به ترجمهٔ شادروان علینقی فیض‌الاسلام و مرحوم دکتر سیدجعفر شهیدی توجه شده است.

در این جا نمونه‌ای از یک مدخل ارائه می‌شود تا بیانگر شیوهٔ جاری در کتاب آقای دکتر محمدباقر کتابی باشد:

«**شکیر:** نخستین پرهایی است که بر پرنده می‌روید و هنوز پرنده نیروی پرواز ندارد. (تفسیر سیّد رضی، حکمت ۴۰۲؛ عبده، ج۳، ص۲۴۹)، پرنده‌ای که با پرهای بسیار ضعیفش بخواهد پرواز کند.

«لَقَدْ طِرْتَ شَکیراً و هَدَرْتَ سَقْباً» پرواز کردی پیش از پر در آوردن و بانگ زدی هنگام بچه بودن. (ق ۳۹۴، ص ۱۲۷۵)

این جمله را امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) به شخصی فرمود که در محضر مبارکش، سخنی بزرگ‌تر از شأن خود گفته بود که کنایه است از کسی که در خردسالی، آواز بزرگان سر دهد، یا پرنده‌ای که پر درنیاورده بخواهد پرواز کند.» (ص ۴۵۴)

نویسنده در بیان معانی الفاظ از مجموعه‌ای از کتاب‌های مرجع مانند لسان العرب؛ مجمع البحرین؛ صحاح اللغه؛ کنز اللغه؛ اقرب الموارد و نیز تفاسیر معروف قرآن و نهج‌البلاغه چون تفسیر جلالین و یا شرح نهج‌البلاغه ابن ابی‌الحدید بهره‌ها برده است. بر اساس فهرست منابع کتاب، جمعاً به ۹۴ عنوان منبع مراجعه شده است که برخی از آن‌ها خود شامل چندین مجلّد می‌شوند و اسامی برخی از آنان مانند آثار الباقیه؛ اعیان الشیعه؛ الکامل فی التاریخ؛ الغدیر فی الکتاب و السنه و الادب؛ غُرر الحکم و دُرر الکلم؛ المختصر النافع؛ جامع السعادات؛ مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن و... بیانگر وسعت مطالب مطرح شده در کتاب کلید گشایش نهج‌البلاغه است.

یکی دیگر از ویژگی‌های ممتاز کتاب آن است که مطالب آن روان و همه فهم‌پذیر و حتی‌الامکان به دور از نقل‌های حجم‌افزا نگاشته شده‌اند. مطالب کتاب عمدتاً در قالب نقل‌قول‌های غیرمستقیم ارائه شده‌اند؛ به

همین جهت، خواننده با متنی یک‌دست مواجه می‌شود که بر حُسن آن می‌افزاید. ضمناً دکتر کتابی در ذیل بسیاری از مدخل‌های کتاب، به این نکته اشاره دارد که مثلاً این معنا و یا این کاربرد واژه برداشت او از کتاب مفردات راغب و یا قاموس و یا تعریفات جرجانی است؛ و به همین دلیل، خواننده بی‌آن‌که درگیر نقل‌قول‌های زاید شود، به‌سرعت به معنای واژه پی می‌برد و متوجه می‌شود که معنای مذکور منقول از کدام یک از منابع مرجع هستند.

مؤلف کتاب، گاه، جهت آشنایی خواننده، در بیان برخی از الفاظ ریشهٔ واژگان و ساختار صرفی آن‌ها را نیز توضیح می‌دهد. برای مثال، در ذیل مدخل اِخالُ (به معنای گمان می کنم؛ خیال می کنم) به نقل از قاموس می‌نویسد: «اِخالُ فعل متکلم وحده مستقبل از «خالَ یَخالُ» است، ولی در متکلم وحده به کسر همزه تلفظ می‌شود.» و آن‌گاه شاهدی را از خطبهٔ ۹۶ نهج‌البلاغه می‌آورد: «والله لَکأنّی بِکُمْ فیما اِخالُ أنْ لَوْ حَمِسَ الْوَغی...» سوگند به خدا گمان دارم که اگر جنگ سخت بشود... (ص ۲۵۵)

وی همچنین گاه توضیحات و شروح فنّی زبان‌شناسان برجسته را دربارهٔ فصاحت کلام نهج‌البلاغه نقل کرده است که از زمرهٔ آن‌ها می‌توان از مدخل «اشکل اشکالاً علیک شیء» یاد کرد که به کلام سید رضی و مضمون مشابه آن در کتاب لسان العرب اشاره شده است. (صص ۴۵۴ـ۴۵۵) و گاه به منابع جدید نیز مانند المنجد و یا مقدمهٔ علم حقوق اثر دکتر ناصر کاتوزیان (ص ۱۸۸) ارجاع داده است.

این نکته شایان توجه است که حجم کتاب کلید گشایش نهج‌البلاغه در چارچوب یک مجلّد قطور (۸۶۶ صفحه‌ای) تنظیم شده است. بدیهی است اگر نویسندهٔ ارجمند بنا را بر ارائهٔ نکات و شواهد بیشتری گذاشته بود، قاعدتاً حجم کتاب بسیار فراتر از کتاب حاضر می‌بود. برای مثال، مقایسه شود مدخل فَتْق (صص ۶۰۵ و ۶۰۶) با کتاب دائرةالمعارف نهج‌البلاغه اثر آیت‌الله حاج‌میرزا خلیل کمره‌ای (کمره‌ای، ۱۳۸۷: ۱۱۶ـ۱۱۷) که آیت‌الله کمره‌ای با اشاره به شاهد «ثم أنشاء سبحانه فتق الأجواء...» به معنای «فتق جوها» اشاره کرده و می‌نویسد:

«شیخ محمد عبده چنان فهمیده که مقصود ایجاد فضاست ولی به نظر ما سخن امام (ع) در «انشا فتق» عملی است که در «جوّ و فضا» شده نه در ایجاد خود فضاء است. انشاء فتق جوّ غیر از انشاء جوّ است، چه فتق را مصدر و اسم مصدر بگیریم یا مصدر به معنی مفعول.» (کمره‌ای، ۱۳۸۷: ۱۱۶)

در کتاب کلید گشایش نهج‌البلاغه، در عین تبیین فضای مفهومی واژگان، به شاهد مذکور و یا تفاوت مفهومی فتق با شق و یا رتق اشاره نشده است.

در خاتمه، کتاب کلید گشایش نهج‌البلاغه مرجعی است بسیار ارزنده دربارهٔ مفردات نهج‌البلاغه که در رفع نیازهای محققان و دانشجویانی که درصدد فهم بهتری از کلام نورانی حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) هستند، بسیار نافع و مؤثر است.

کتاب‌نامه

۱. فرهاد میرزا (۱۳۶۴ ش). سفرنامهٔ فرهاد میرزا. تصحیح غلامرضا طباطبایی. تهران، شرکت چاپ و انتشارات علمی.

۲. کتابی، محمدباقر (۱۳۹۴ ش). کلید گشایش نهج‌البلاغه (المفتاح لکنوز نهج‌البلاغه) تفسیر مفردات نهج‌البلاغه و شواهدی از آن. ویراستار: مریم امشاسپند. اصفهان: کانون پژوهش.

۳. کمره‌ای، خلیل (۱۳۸۷ش). دائرةالمعارف نهج‌البلاغه، آفرینش آسمان و زمین در نهج‌البلاغه. ویراستار: احمد معتمد. تهران: انتشارات بنیاد نهج‌البلاغه.

۴. مصطفوی، سیّد جواد (اسفند ۱۳۶۴ش). «استاد دکتر سیدجواد مصطفوی و کاری بزرگ در کلام معصوم علیه‌السلام» (گفت‌گو). کیهان فرهنگی. ش ۲۴.

۵. معرفت، محمدهادی (۱۴۳۲ ق). التمهید فی علوم القرآن. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.

* . استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱. دکتر سیّدمحمدباقر کتابی شرحی از خاطرات خود را از مرحوم حاج ارباب در «به یاد علامه فقید حاج‌آقا رحیم ارباب» در مجلهٔ کیهان فرهنگی (شمارهٔ ۳۳، آذر ۱۳۶۵، صص ۳۰ـ۳۳) به رشتهٔ تحریر در آورده است.